

# ابتکارات و نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری جدید

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۲۰ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۲/۲۷)

## مختار فتاحی

دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی

### چکیده

قانون آیین دادرسی کیفری جدید در ۵۷۰ ماده و ۲۳۰ تبصره مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ و تأیید شورای نگهبانی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶، در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳ طی شماره ۲۰۱۳۵ در روزنامه رسمی کشور منتشر شده است و برابر ماده ۵۶۹ آن، پس از شش ماه از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور لازم الاجراء می شود. در این نوشتار، برآیند ضمن بررسی دستاوردها و نوآوری های قانون جدید، آن را از حیث حقوقی مورد نقد و بررسی قرار دهیم. به جهت گسترده بودن بحث پژوهش حاضر، آن را به صورت موردی پی خواهیم گرفت.



**واژگان کلیدی:** قانون آیین دادرسی کیفری، حقوق متهم، نوآوری های قانون جدید، حقوق

شاکی

## بخش اول: کلیات

قانون آئین دادرسی کیفری، از مهم ترین قوانین پایه ای و اساسی هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق آن اجرا می شود. مقررات نظام قضایی و دادرسی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دچار تغییرات کلی شده است. تغییرات مزبور، علاوه بر سازماندهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی نظمی و نابه هنجاری های متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده است، آنگونه که همگان در زمان حذف قانون دادرسی و قانون احیاء دادرسی شاهد بوده اند. قانون جدید هم برای یک دوره سه ساله آزمایشی مقرر شده و قابلیت اجرا خواهد یافت و امکان تغییر در آن نیز ممتنع نخواهد بود. قانون جدید با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، برخوردار از جنبه ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه است و اگر دچار تغییرات کلی و جدی نشود و با تدوین آئین نامه های اجرایی مقرر در آن، با استفاده از تجارب حرفه ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم می تواند، موثر و نقش آفرین گردد. این قانون، مشتمل بر هفت بخش در قالب " کلیات، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، دادگاههای کیفری، رسیدگی و صدور رای، اعتراض به رای، اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی، هزینه دادرسی و سایر مقررات " تنظیم و تدوین شده است. قانون آئین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال " اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم "، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم بعنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری قرار داده است. تغییر در صلاحیت نهاد دادستانی و بخش های تابعه، تدقیق شرح وظایف و اختیارات دادستان و بازپرس، تخصیص ضمانت های ناشی از مسئولیت انتظامی و قانونی آنها، حذف عملی قاضی تحقیق و قاضی تحکیم و مسئولیت های رئیس حوزه قضایی و انتقال آن به دادستان و بازپرس، نظاممند کردن وظایف و مسئولیت های قانونی دادستان و مراجع قضایی و ضابطان



دادگستری، تقسیم بندی دادگاههای کیفری و تخصیص صلاحیت آنها، تغییر در نظام صدور قرارهای تامین قانونی و تخصیص قرارهای نظارت قضایی، پیش بینی تشکیل دادرسی و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان، تشکیل پلیس اطفال، تخصیص حق ملاقات متهم با خانواده و وکیل خویش، پیش بینی حق جبران خسارت و ضرر و زیان مادی و معنوی، لزوم تشکیل پرونده های شخصیتی برای متهمان و نیز اطفال و نوجوانان متهم، پیش بینی نظام دادرسی کیفری الکترونیکی، تقویت نقش و جایگاه وکیل مدافع در حقوق متهم و تقویت دادرسی عادلانه و مانند آنها و نیز تلاش برای منطبق ساختن نظام دادرسی کیفری با اصول نظام دادرسی عادلانه مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری مربوطه، در راستای " اصل احترام به حقوق و آزادی های اساسی بشری " به عنوان یکی از قواعد شناخته شده در حقوق بین الملل و در نتیجه، پُر رنگ ساختن رویکرد حقوق بشری بدان و نیز گرایش به سیستم دادرسی و رسیدگی مختلط در عمل، دارد که بدان، به شرح ذیل، خواهیم پرداخت.

## **بخش دوم: ابتکارات و نوآوری های قانون آئین دادرسی کیفری جدید**

### **بند اول: تغییر در تعریف قانون آئین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن**

نخستین تغییر در قانون جدید را باید در تعریف آن در ماده ۱ این قانون یافت. براین اساس، آئین دادرسی کیفری، مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رای، طرق اعتراض به آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقام قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می شود." در این میان، "تحقیقات مقدماتی، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین"، از زمره اصلاحات و الحاقات به عمل آمده در ماده ۱ قانون آئین دادرسی کیفری سابق بوده که در قانون جدید تکمیل شده است. نگاه مقنن در قانون جدید، مبتنی بر اطلاق "مجرمیت یا مجرم انگاری متهم" نبوده و در این تعریف، برخلاف قانون سابق که از "تعقیب مجرمان" یاد کرده، از عبارت "تعقیب متهم" یاد می نماید و در مقام اصلاح آن برمی آید و ضمن پیش بینی مکانیسم های حل و فصل مسالمت آمیز ادعاها و اختلافات مانند "میانجیگری و صلح میان طرفین"، سعی بر کاهش پرونده های کیفری و تعدیل جامعه آماری مربوطه و رعایت شان و کرامت انسان ها و شهروندان دارد و طرفین را بر هدایت صلح آمیز مراتب فراخوانده و بر نقش و تکلیف مقام قضایی و ضابطین آن در این رابطه تاکید دارد. باین وجود، تخصیص صلح و میانجیگری و تکلیف بازپرس بدان در یک



دعوی کیفری چندان مفهوم نیست. علاوه براین، با تصویب قانون حاضر، صلاحیت عام دادگاهها برابر قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳ تیر ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی، به ترتیب آتی تغییر یافته و دگرگون شده است.

## **بند دوم: لزوم رعایت حقوق مساوی طرفین پرونده و ضرورت رعایت حقوق اساسی، بشری و شهروندی مردم**

علاوه براین، برابر ماده ۲ این قانون؛ "دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می گیرند، به صورت یکسان اعمال گردد". قانونمندی، تساوی حقوق طرفین و تضمین دادرسی عادلانه، شرط اولیه برای تحقق آن در نگاه قانون جدید است. این شرط با الزام مقرر در ماده ۳ این قانون تکمیل می گردد. براین اساس؛ "مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند" لذا، اصل بر "استقلال قضایی و بی طرفی مراجع قضایی و رفع اطاله دادرسی" در فرایند رسیدگی کیفری است. هدف مزبور محقق نخواهد شد، مگر بر اساس عدم مجرمیت متهم و محوریت "اصل برائت". در همین ارتباط، ماده ۴ این قانون مقرر می دارد. "اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت، این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند". تقدم اصل برائت در فرایند دادرسی کیفری، حفظ و تضمین حقوق اشخاص و شان و کرامت انسانی آنها و حریم خصوصی مردم، از زمره اصول حاکم و مورد توجه مقنن در ق.آ.د.ک. جدید در این ارتباط می باشد.

## **بند سوم: حق دفاع و حقوق متهم**

برابر ماده ۵ ق.آ.د.ک جدید؛ "متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود". ماده ۶ این قانون مقرر می دارد: "متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود". همچنین، وفق ماده ۷ قانون مزبور؛ "در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در" قانون احترام به آزادی های



مشروع و حفظ حقوق شهروندی"، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان، علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۴/۴) محکوم می شوند، مگر آنکه در سایر قوانین، مجازات های شدید تری مقرر شده باشد."

### **بند چهارم: حق دفاع و وکالت در فرایند دادرسی کیفری**

ضرورت آگاهی متهم از حقوق شهروندی و اساسی خویش: برابر مواد ۵ و ۶ ق.آ.د.ک. جدید؛ "متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود. متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذریبط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود و در این ارتباط، رعایت حقوق شهروندی مقرر در "قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی"، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است" و عدم رعایت آن، مستوجب مسئولیت قانونی و کیفری می باشد.

### **بند پنجم: حق حضور وکیل و ملاقات با متهم**

به موجب ماده ۴۸ آن ؛ " با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد". با این وجود، برابر تبصره ذیل این ماده ؛ " اگر شخص به علت اتهام ارتكابی یکی از جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بندهای الف) جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب) جرائم موجب حبس ابد) و پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن ( ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد". ممنوعیت و محدودیت مزبور نسبت به جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر منع فوق پیش بینی نشده است. تجویز فوق، برخلاف محدودیت های قانونی مقرر در ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری سابق



می باشد.

### **بند ششم: حق حضور و دخالت و کیل در تحقیقات مقدماتی**

برخلاف ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. سابق، برابرماده ۱۹۰ قانون جدید: " متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس، به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه، متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می شود. وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلائل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورتمجلس نوشته می شود." این ماده، از مواد طلایی مقرر در قانون جدید بوده که منطبق با اصول حقوق بین الملل بشر می باشد و در قانون سابق، به ترتیب مزبور مقرر نشده بود. (۴). همچنین، طبق ماده ۳۷۱ این قانون؛ " قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می شود و دادستان یا نماینده وی نیز میتواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است." از نوآوری های جدید و اساسی مقرر در این قانون در تخصیص ماده ۳۴۶ به مانند مواد ۵، ۱۹۰ و ۳۷۱ این قانون است. به موجب ماده ۳۴۶ قانون مزبور؛ "در تمام امور کیفری، طرفین می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است."

### **بند هفتم: تضمین سلب حق دفاع قانونی وکیل مدافع**

برابر ماده ۳۴۶ قانون جدید: " در تمام امور کیفری، طرفین می توانند وکیل یا مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است." طبق تبصره این ماده؛ " در غیرجرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هریک از طرفین می توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند." همچنین، به موجب ماده ۳۴۷ این قانون؛ "متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیل برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان، از نزدیکترین حوزه قضایی، برای متهم وکیل تعیین می نماید. ...". همچنین، برابر تبصره ۲ آن؛ "در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی



نماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می کند. " و به موجب تبصره ۳ آن؛ " در مورد این ماده و نیز چنانچه، اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است."

اضافه براین، وفق ماده ۳۴۸ قانون مزبور؛ " در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ، و ت ماده ۳۰۲ این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی شود. چنانچه، متهم، خود وکیل معرفی نکند و یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه، وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می شود." لازم به ذکر است طبق ماده ۳۵۰ این قانون؛ " در صورتی که متهم دارای وکیل باشد، جز در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون (جرائم موجب مجازات سلب حیات، جرائم موجب حبس ابد و جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) و نیز در مواردی که دادگاه حضور متهم را لازم تشخیص دهد، عدم حضور متهم در جلسه دادگاه مانع رسیدگی نیست." برابر تبصره ۱ این ماده؛ " سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم، موجب بی اعتباری تحقیقات می شود." پیش از این نیز طبق ماده واحده مربوط به انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا، مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام بر لزوم مراتب یاد شده و تضمین سلب حق داشتن و دخالت وکیل تاکید شده است. برابر تبصره ۲ ماده واحده مزبور، " هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول، موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم، موجب انفصال از شغل قضایی می باشد." همچنین، طبق تبصره ۳ این ماده واحده، " وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شغل قضا، برخوردار می باشد."

بدین ترتیب، نقش حقوق متهم و وکیل مدافع در قانون جدید بسیار پُرنگ شده است و مقرر داشتن مواد مزبور در راستای تضمین حقوق اساسی اشخاص پیش بینی شده است. رعایت حقوق جامعه، بزه دیده و متهم از اهم اهداف اجراء قانون جدید، مقرر در ماده ۱ آن بوده که از لوازم اعمال قانون فوق (ماده ۷ از قانون آئین دادرسی کیفری، ناظر بر بند ۳ از ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ که با ضمانت اجراء مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مقید شده است، می باشد. حق برگزیدن وکیل « وکیل تعیینی » و حق داشتن وکیل « وکیل تسخیری و معاضدتی » بیانگر اهمیت نقش وکیل در تعیین سرنوشت احقاق حقوق در جامعه و اثر غیر





قابل انکار آن در دادرسی منصفانه و مبتنی بر عدالت می باشد که در قانون جدید بدان تاکید شده است. اصل به رسمیت شناختن حق اشخاص در به همراه داشتن وکیل مدافع در تمام امور کیفری در صدر ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک تصریح گردیده است و در تبصره آن ماده نیز قانونگذار اشعار می دارد: «در غیر جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هریک از طرفین می توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند»؛ که مراد از تبصره فوق آن است، در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک که به آن اشاره گردید، اشخاص می توانند حتی، بیش از دو وکیل مدافع را به منظور دفاع از حقوقشان به دادگاه معرفی نمایند البته در هر حال تعداد وکلا حداکثر می تواند سه نفر باشد (ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک) و در سایر جرائم که طبعاً از اهمیت کمتری برخوردارند هریک از طرفین صرفاً امکان معرفی دو وکیل مدافع به دادگاه را خواهند داشت. در هر حال، متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه رسیدگی کننده تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود که در این صورت، دادگاه پس از احراز عدم تمکن مالی متقاضی همچنین، در مواردی که دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای بزه دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند نیز برای آنها وکیلی تعیین می نماید.

از مهم ترین تحولات ایجاد شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری این است که به محض اینکه شخصی به عنوان متهم تحت نظر قرار گرفت می تواند «درخواست ملاقات با وکیل مدافع» را داشته باشد. در این ملاقات که نباید پیش از یک ساعت به طول بیانجامد، لازم است به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات دقت شود و در پایان وکیل مدافع می تواند نکاتی که تامین کننده حقوق موکلش باشد را کتباً برای درج در پرونده ارائه نماید. (ماده ۴۸ ق.آ.د.ک). متهمی اگر شخصی به علت ارتکاب یکی از جرائم سازمان یافته یا جرائم علیه امنیت کشور، سرقت، مواد مخدر و رونگردان، و یا جرائم موجب مجازات، سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل و یا بیش از آن، تحت نظر قرار بگیرد؛ امکان ملاقات با وکیل را تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن ندارد (تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک). البته مقرر اخیر قانونگذار خلاف شأن وکیل مدافع است زیرا شان و جایگاه اجتماعی و قانونی وکیل اقتضاء دارد که از رفتار مغایر با شئون حرفه ای و قانونی خودداری نماید و تلاش مقنن برای تعمیم رفتار خلاف اقتضاء قانونی و شرعی به همه وکلاء، دون شان وکلاء است. علاوه بر این، وکلاء شرعاً، قانوناً و اخلاقاً خود را پایبند به اصول حرفه ای، از جمله حفظ اسرار جامعه (در موارد امنیتی) و اشخاص دانسته و رفتار مغایر با آن خلاف شئون حرفه ای آنها به شمار می رود که نیازمند ایجاد محدودیت های قانونی مزبور



نخواهد بود. باین وجود، نکته ای که شروع تحولی روبه رشد را در نظام کیفری کشور برای جامعه رقم زد، تکلیف ابلاغ و تفهیم « حق همراه داشتن و کیل » به متهم از سوی بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی است که این تکلیف باید قبل از شروع تحقیقات توسط بازپرس انجام شود. به طوری که حتی، باید این حق در برگه احضاریه نیز قید و به متهم ابلاغ گردد و وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند اظهار کند. این اظهارات در صورتمجلس نوشته می شود ( ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک). مهم ترین نکته، « سلب و یا عدم تفهیم » حق همراه داشتن و کیل به متهم موجب بی اعتباری تحقیقات می شود ( تبصره ۱ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک) که به نظر می رسد ضمانت اجرای شدید و مفیدی برای به رسمیت شناختن آن حق از سوی قانون گذار اشعار یافته و به نوعی خود این امر موید نقش تعیین کننده وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است که به صورت علیحده مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. حتی، قانونگذار مقرر داشته، در صورت طرح سوالات تلیقنی یا سایر موارد خلاف قانون از سوی بازپرس، وکیل می تواند به وی تذکر دهد. ( تبصره ماده ۹۵ ق.آ.د.ک). توجه قانون گذار به همراهی وکیل با متهم تا آنجا پیش رفته است که چنانچه، متهم در جرائم موجب مجازات های سالب حیات و حبس ابد در مرحله تحقیقات مقدماتی اقدام به معرفی وکیل نکند، لازم است بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب نماید ( تبصره ۲ ماده ۱۹ ق.آ.د.ک). باین وجود، به نظر می رسد با وضع ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک با لحاظ « قرار عدم دسترسی » ابتکارات قانونی اخیر به نوعی نادیده انگاشته شده و یا حداقل تعدیل گردیده است؛ به طوریکه آن ماده این چنین اشعار یافته است: « چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم گیری کند» (۴)

؛ که توضیحات و ایرادات وارده به آن در خصوص شان وکیل مدافع از نظر گذشت.

### بخش سوم: دعوای عمومی و دعوای خصوصی

برابر ماده ۸ قانون جدید، محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می تواند دو حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلاق در نظم عمومی و نیز حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص





معین داشته باشد. براین اساس طبق ماده ۹ آن ارتکاب جرم می تواند موجب طرح دو دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی و دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده مانند حد قذف و قصاص است، شود. قانون جدید علاوه بر مقرر داشتن ترتیب مزبور، در ماده ۱۰ آن، تعقیب کننده مرتکب جرم را "شاکی" و درخواست کننده جبران ضرر و زیان وارده را، "مدعی خصوصی" می نامد که متفاوت از تقسیم بندی مقرر در مواد ۲ و ۳ قانون قدیم می باشد. تعقیب متهم و اقامه دعوا از جهت حیثیت عمومی طبق ماده ۱۱ این قانون بر عهده دادستان و از جهت جنبه خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی قرار گرفته است، اما در قانون سابق، نسبت به جنبه عمومی و الهی آن، برابر ماده ۳ آن بر عهده رئیس حوزه قضایی و از حیث خصوصی، با تقاضای شاکی خصوصی قرار داشته است. با این وجود، برابر بند الف ذیل ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی، وضعیت مشابهی نسبت به ماده ۱۱ این قانون مقرر شده بود. علاوه بر این، "توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون"، از زمره موارد موقوفی تعقیب بوده که برابر ماده ۱۳ قانون جدید نسبت به سایر موارد موقوفی تعقیب مندرج در قانون سابق اضافه شده است. همچنین، حق مطالبه "زیان های معنوی"، علاوه بر زیان های مادی، از دیگر نکات جدید مقرر در ماده ۱۴ این قانون می باشد. در قانون سابق، صرفاً، ضرر و زیان های مادی ناشی از ارتکاب به جرم و منافع ممکن الحصول مربوطه طبق ماده ۹ آن قابل مطالبه بوده است، اما در قانون جدید علاوه بر موارد مزبور، "زیان های معنوی" ناشی از ارتکاب به جرم نیز قابل مطالبه می باشد.

### بخش چهارم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

در قانون جدید در بخش دو آن با عنوان "کشف جرم و تحقیقات مقدماتی"، مقنن فصلی را با عنوان "فصل اول دادرسی و حدود صلاحیت آن" پیش بینی کرده است. طبق ماده ۲۲ مندرج در فصل اول این قانون، به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضائی هر شهرستان و در معیت دادگاه های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین، در معیت دادگاههای نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می شود. "به موجب ماده ۲۳ آن دادرسی به ریاست دادستان تشکیل می شود و به تعداد لازم معاون، بازپرس و کارمند اداری دارد. ترتیب مزبور، در وضعیت مشابهی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی مقرر شده بود.

## بخش پنجم: تشکیل دادرهای تخصصی و موضوعی

از دیگر نوآوری های قانون جدید در پیش بینی و تخصیص دادرهای موضوعی و تخصصی می باشد. برابرماده ۲۵ آن به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادرهای تخصصی، از قبیل دادرای جرایم کارکنان دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرای شهرستان تشکیل می شود.

## بخش ششم: ضابطان دادگستری و تکالیف آنان

گرچه، وفق مواد ۱۵-۱۷ قانون قبلی از ضابطان دادگستری بعنوان "ضابطین دادگستری" یاد شده که تحت نظر "مقام قضایی یا رئیس حوزه قضایی" عمل می نمودند، اما به موجب قانون جدید، ضابطان دادگستری "تحت نظارت و تعلیمات دادستان" عمل می نمایند. براین اساس، برابر ماده ۲۸ قانون جدید؛ "ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند". اما این مهم برابر مفاد مندرج در بندی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی بر عهده بازپرس از حیث رسیدگی به تحقیقات آنها محول شده بود. در همین ارتباط، طبق بندهای الف و ب ماده ۲۹ آن قانون؛ "ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند و ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همچنین سایر نیروهای مسلح، در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می شوند". در قانون جدید، علاوه بر تفکیک و تعیین ضابطان دادگستری به عنوان ضابطان عام و خاص، برابر تبصره ذیل ماده مزبور، کارکنان وظیفه را از شمول آنها خارج کرده و طبق ماده ۳۰ آن قانون نسبت به توصیف و تدقیق مشخصات ضابطان دادگستری و تشریح وظایف قانونی آنها در مواد بعدی می پردازد. براساس این ماده؛ "احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، منوط به فراگیری مهارتهای لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع



و از نظر قانونی بدون اعتبار است". الزام مزبور بعنوان یکی از نوآوری ها و ابتکارات موثر و مناسب قانون جدید نسبت به ضابطان دادگستری محسوب شده و در جهت تضمین رعایت حقوق شهروندان و مردم و ایجاد امکان اعتبار لازم و مورد انتظار نسبت به انجام و اجرای وظایف آنها تلقی می گردد و قانون سابق فاقد وصف مزبور بوده است. ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایف آنها بعنوان ضابط برخلاف ماده ۱۷ قانون سابق که بر عهده رئیس حوزه قضایی بوده، طبق ماده ۲۲ قانون جدید بر عهده دادستان قرار گرفته است که وظیفه برگزاری مستمر دوره های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارتهای لازم و ایفاء وظایف قانونی آنها برابر تبصره ۱ ذیل ماده ۳۰ آن برعهده دارد. سایر مقامات قضایی طبق ماده ۳۲ قانون جدید در امور ارجاعی به ضابطان دادگستری "حق نظارت" و نه ریاست بر آنها را دارا می باشند و نقش ریاست سایر مقامات قضایی به موجب این قانون نسبت به ضابطان مزبور حذف گردیده است تا آنها از یک سیستم یکپارچه مدیریتی و قضایی در فرایند دادرسی کیفری برخوردار گردند. اما ماده ۳۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی، بر لزوم تبعیت و اجرای دستورات صادره از سوی مراجع قضایی در مقام اجرای حکم از سوی کلیه ضابطین دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی و روسای سازمان های دولتی و وابسته به دولت و یا موسسات عمومی در حدود وظایف خود تاکید داشته است.

### **بخش هفتم: حقوق متهم و وظایف قانونی ضابطان دادگستری**

لزوم "تفہیم و آگاهی شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره مندی از خدمات مشاوره ای و معاضدت های حقوقی" طبق ماده ۳۸ و ضرورت "تفہیم فوری و کتبی موضوع اتهام و دلایل آن" به متهم برابر ماده ۴۶ قانون جدید را باید از دیگر دستاوردهای نوین این قانون برشمرد. بعلاوه، به موجب ماده ۴۸ آن؛ "با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد". باین وجود، برابر تبصره ذیل این ماده؛ "اگر شخص به علت اتهام ارتكابی یکی از جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بندهای الف (جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب (جرائم موجب حبس ابد) و پ (جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار



گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد". ممنوعیت و محدودیت مزبور نسبت به جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر منع فوق پیش بینی نشده است. تجویز فوق، برخلاف محدودیت های قانونی مقرر در ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری سابق می باشد. ثبت و ضبط مشخصات و اطلاعات مربوط به متهمان تحت نظر در قالب "بانک اطلاعات سجلی" ظرف مدت حداکثر یک ساعت و درج آن در دفتر مخصوص و رایانه با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی تحت نظر دادستان هر شهرستان و نظارت لازم در رعایت حقوق این افراد، همراه با حق اطلاع یافتن خانواده های آنها نسبت به وضعیت آنها و ضرورت پاسخگویی به آنها، در صورت عدم منافات با حیثیت اجتماعی و خانوادگی آنان، طبق ماده ۴۹ قانون جدید و نیز ایجاد امکان تماس متهم تحت نظر با خانواده و آشنایان خود و تکلیف ضابطان دادگستری به فراهم آوردن موجبات آن برابر ماده ۵۰ این قانون، از دیگر نوآوری های قانون مزبور می باشد. اضافه بر این، برابر ماده ۵۲ این قانون هر گام متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. قانون سابق فاقد ترتیب مزبور بوده است. همچنین، پیش بینی حق "اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون به صورت مشهود، برای تمام شهروندان" را می توان از موارد جدید مقرر در آن قانون طبق تبصره ۱ ذیل ماده ۴۵ آن دانست. لزوم برگ شماری اوراق بازجویی و مدارک پرونده توسط ضابطان دادگستری و الزام مدیر دفتر دادسرا و دادگاه به رعایت این مهم و مسئولیت قانونی ناشی از تخلف از آن برای آنها، طبق ماده ۵۹ و تبصره ذیل آن، از دیگر نکات مهم مطروحه در قانون جدید می باشد. ممنوعیت هرگونه اجبار و اکراه نسبت به متهم در بازجویی ها، منع هرگونه گفتار یا رفتار موهن، منع طرح سئوالات تلقینی، خارج از موضوع و اغفال کننده و ثبت و ضبط تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی و انجام تحقیقات مطابق ترتیبات و قواعد مقرر در تحقیقات مقدماتی و نیز ممنوعیت تحمیل هرگونه هزینه های ناشی از انجام وظایف ضابطان دادگستری برابر مواد ۶۰-۶۲ این قانون، از دیگر موارد قابل ذکر در این باره است.

### بخش هشتم: حریم خصوصی و حقوق اساسی مردم و شهروندان

شناسایی، تعریف و تدقیق حریم خصوصی شهروندان در راستای حفظ و رعایت حقوق اساسی آنها، از نکات مثبت قابل ذکر در این قانون است. در همین رابطه، برابر ماده ۵۴ قانون جدید؛ "ورود



به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین، بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود، با اجازه موردی مقام قضایی است. هرچند وی، اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد". از اینرو، ارجاع کلی مراتب به ضابطان دادگستری، ملازمه با ورود به حریم خصوصی اموال و اشیاء افراد و بازرسی نسبت به آنها نداشته و انجام هر یک از مراتب مزبور مستلزم صدور مجوز موردی در چهارچوب قانون از سوی مقام قضایی، اعم از دادستان یا سایر مقامات قضایی مربوطه بوده تا از هرگونه تعرض به حقوق و اموال مردم و نقض حریم خصوصی آنها، جز نسبت به موارد مقرر در مجوز موردی صادره، طبق ۵۶ آن قانون، برخلاف ترتیب معموله در سنوات قبل خودداری گردد. این درحالی است که طبق ماده ۱۸ قانون سابق، ضابطین دادگستری در جرائم غیرمشهود مکلف به اعلام مراتب برای کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی صلاح قضایی بوده اند و تعریف و ترتیب مقرر نسبت به حریم خصوصی مردم و شهروندان در آن، به ترتیب فوق مقرر نشده بود.

### بخش نهم: وظایف و اختیارات دادستان

جهات شروع به تعقیب برابر ماده ۶۴ قانون جدید، مشتمل بر "شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان و بازپرس، اظهار و اقرار متهم و اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر" مقرر شده است. اما در بند د ذیل ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی، جهات شروع تحقیقات از سوی بازپرس در ۱- ارجاع دادستان، شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد، ۲- در جرائم مشهود، در صورتی که بازپرس شخصا ناضر وقع آن باشد". مشاهده می گردد، ترتیب مقرر در قانون اخیرالذکر از این حیث با ماده ۶۴ قانون جدید تغییر یافته است و اساساً، این سؤال مطرح است که آیا بند مزبور با توجه به ماده ۶۴ یاد شده از اعتبار قانونی کماکان برخوردار است؟ همچنین، به موجب ماده ۶۵ این قانون؛ "هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، در صورتی که قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد؛ اما اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی توان شروع به تعقیب کرد، مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد. یا جرم از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد."



## بخش دهم: شناسایی حق طرح شکایت برای سازمان های مردم نهاد

این حق در ماده ۶۶ قانون جدید به رسمیت شناخته شده و از نوآوری های موثر این قانون تلقی می گردد. براساس این ماده ؛ " سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان و اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند". چنین به نظر می رسد سازمان های مزبور، از حیث شکایت؛ در زمره شکات خصوصی و از حیث مطالبه ضرر و زیان بعنوان مدعی خصوصی، ولو با وجود هويت آنها بعنوان يك شخصیت حقوقی غیردولتی محسوب می گردند. با این وجود، طبق ماده ۶۷ این قانون ؛ "گزارش ها و نامه هایی که هويت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، نمی تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است یا همراه با قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می کند". قانون سابق فاقد ترتیبات مقرر در قانون جدید بوده است.

## بخش یازدهم: وظایف و اختیارات بازپرس و حدود آن

حذف قاضی تحقیق و تقویت مقام بازپرسی : در قانون جدید با حذف عملی اختیارات رئیس حوزه قضایی و قاضی تحقیق مقرر در قانون سابق، تعقیب کیفری مراتب را به دادستان، بازپرس و عنداللزوم، دادیار محول نموده است. برابر ماده ۸۹ این قانون " شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. چنانچه، بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد، تحقیقات را شروع می کند، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می دهد". براین مبنا، طبق ماده ۹۰ قانون مزبور ؛ " تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود". تغییر مزبور، به خوبی در مفاد مندرج در ماده ۹۲ این قانون مشهود است. به موجب این ماده ؛ " تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است. در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین، قرار تامین منتهی به





بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند". این وظیفه در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی برابر تبصره ذیل ماده مزبور به دادرس دادگاه با تقاضای مراتب از سوی دادستان و تعیین رئیس حوزه قضایی تا زمان باقی بودن وضعیت مزبور انجام خواهد شد. ترتیب نخست مزبور در بند و ذیل ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و اصلاحات بعدی نیز مقرر شده بود. مراتب یاد شده با تغییر شکلی و محتوایی مفاد مندرج در فصل دوم قانون سابق آ.د.ک در قانون جدید، به ترتیب مزبور منعکس شده است. علاوه بر این، طبق ماده ۹۸ قانون مزبور؛ "بازپرس باید شخصاً، تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می تواند در غیر جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آنها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ کند". بنابراین، جز در موضوع بندهای یاد شده که انجام تحقیقات از سوی شخص بازپرس الزامی است، در سایر موارد این الزام متأثر از تشخیص بازپرس در تفویض اختیار انجام آنها خواهد بود. برابر ماده ۹۷ قانون جدید بازپرس به منظور حمایت از بزه دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور میدهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند". مراتب مزبور نیز از زمره نوآوری های قانون جدید می باشد. علاوه بر این، برابر ماده ۱۰۱ این قانون بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر، تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه دیده اعمال می شود. با وجود مراتب مزبور، در این ماده مشخص نشده است در نبود بازپرس، مسئولیت انجام این مهم با کیست و یا آیا این موضوع به مراجع دیگر قضایی مانند دادگاه تجدید نظر، دیوان عالی کشور و مانند آنها نیز تسری خواهد داشت یا خیر؟ علاوه بر این، به موجب ماده ۱۹۱ این قانون؛ "چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد، یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت، منافی بداند،



یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده، به اعتراض رسیدگی کند و تصمیم گیری کند". ترتیب مزبور، از ابتکارات قانون جدید بوده و در قانون قبلی انعکاسی نداشته است. نکته جالب آنکه، به تجویز ماده ۱۷۲ این قانون ابلاغ احضاریه توسط ماموران ابلاغ، بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود. همچنین، امکان ابلاغ و ابلاغ اوراق قضایی از سوی قوه قضائیه به بخش خصوصی به تجویز مقرر در ماده ۱۷۶ این قانون مقرر شده است. ترتیب مزبور، از دیگر موارد جدید قابل ذکر در قانون جدید می‌باشد. لزوم فک یا تخفیف قرار تامین از سوی بازپرس نسبت به متهم جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ در صورت عدم صدور قرار نهایی تا دو ماه و نسبت به سایر جرائم تا یک ماه و یا صدور قرار ابقاء قرار تامین قبلی (ماده ۲۴۲)، تشدید یا تخفیف قرار تامین (ماده ۲۴۳) و درخواست تعدیل قرار تامین از سوی دادستان (ماده ۲۴۴)، امکان طرح درخواست تشدید یا تخفیف قرار از سوی دادستان یا متهم صرفاً برای یک بار (تبصره ۱ ماده ۲۴۴)، صلاحیت دادگاه در تشدید یا تخفیف قرار صادره نسبت به متهم (تبصره ۲ ماده ۲۴۴)، از دیگر ترتیبات قانونی مقرر در قانون جدید در این باره می‌باشد. این مهم از تغییرات اجمالی در ق.آ.د.ک. جدید بوده که در پی انتقادات و اعتراضات متعدد حقوقدانان، وکلاء و کارشناسان نسبت به الزام قانونی مقرر در مواد ۳۲-۳۵ قانون سابق از حیث "بازداشت موقت متهم" و قابلیت تمدید و تکرار آن، قبل از احراز مجرمیت و صدور حکم قطعی لازم الاجراء و نیز احتمال براءت بعدی وی، ظاهراً تا حدی، محل توجه مقنن واقع گردیده است؟! در همین ارتباط، دبیر کل وقت سازمان ملل در گزارش دوره ای تقدیمی خویش به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ضمن نقد از ماده ۳۲ به مانند ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک. سابق در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)، مواد مزبور را مغایر با موازین حقوقی بین المللی و بشری دانسته و نسبت به آن ابراز نگرانی نموده است. (محمد رضا زمانی درمزاری / فرهنگ، وکالت در اسناد حقوق بین الملل بشر و نظام حقوقی ایران، موسسه حقوقی و بین المللی زمانی و مدرسه مجازی حقوق، ایتالیا/رم، ۱۳۹۳)

## بخش دوازدهم: صدور دستور ممنوع الخروجی متهم از کشور و بازداشت غیر قانونی

### متهم

به تجویز ماده ۱۸۸ این قانون تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، بازپرس می‌تواند با توجه



به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش ماه و قابل تمدید است... و به تجویز ماده ۲۴۸ آن قانون، در صورت انقضای مهلت و عدم تمدید آن، مراجع صادر کننده قرار مزبور نمی توانند مانع خروج متهم گردند.. این موضوع، از صلاحیت های قانونی صرف دادگاه و مقام قضایی طبق ماده ۱۳۳ قانون سابق بوده است. فوریت در شروع تحقیقات، الزام قانونی مقرر در ماده ۱۸۹ قانون جدید می باشد و برابر تبصره ذیل آن ؛ " تحت نظر قرار دادن متهم بیش از ۲۴ ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیر قانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می شود.

### **بخش سیزدهم: تشکیل پرونده شخصیتی نسبت به متهم و احضار و تحقیق از شهود و**

#### **مطلعین**

از دیگر تاسیسات نوین مقرر در قانون جدید، ماده ۲۰۳ این قانون می باشد. براین اساس در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار یا بالاتر است و همچنین، در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمی که میزان دیه آنها ثلث دیده کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است درحین تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مدد کاری اجتماعی صادر نماید.

در قانون سابق، در فصل پنجم آن قانون، با عنوان " شاهد، شهادت، جرح و تعدیل شهود"، احضار شهود و مطلعین و تحقیق از آنها در زمره صلاحیت های قانونی مقرر برای قاضی یا دادگاه اعلام شده بود، اما در قانون جدید بعنوان مبحث دوم فصل ششم و در زمره وظایف بازپرس، علاوه بر دادگاه در بخش مربوطه تعریف شده است و اضافه بر ترتیبات قانونی مقرر در این باره در ماده ۲۰۴ قانون جدید، به تجویز تبصره ۲ ذیل آن ، " در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید". همچنین، به موجب ماده ۲۱۳ قانون مزبور، " تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده ، از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه، این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود". بعلاوه، تکلیف بازپرس به اتخاذ تدابیر حمایتی لازم از شهود و مطلعین و خانواده های آنها به طرق مقتضی، به ترتیب مقرر در ماده ۲۱۴ این قانون، از دیگر موارد قابل ذکر در این باره است. علاوه بر مراتب مزبور، به تجویز ماده ۲۴۷ قانون جدید ؛ " بازپرس می تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تامین، قرار



نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای ذیل است، برای مدت معین صادر کند :

الف- معرفی نوبه ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس، ب - منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری، پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی، ت - ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، ث - ممنوعیت خروج از کشور". همچنین، طبق تبصره ۱ ماده مزبور؛ " در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضائی می تواند فقط به صدور قرار نظارت قضائی اکتفاء کند" و برابر تبصره ۲ آن ماده؛ "قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد". شایان ذکر است؛ به موجب ماده ۲۵۰ این قانون؛ " قرار تأمین و نظارت قضائی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد" و برابر تبصره ذیل ماده ۲۵۱ این قانون؛ " در صورت الغاء قرار تأمین یا نظارت قضائی، این امر بلافاصله به مراجع مربوط اعلام می شود" و امکان تخفیف در مجازات متهم تحت قرارهای نظارتی، در صورت اجرای آنها از سوی متهم، تأیید دادستان و پیشنهاد وی و موافقت دادگاه وفق ماده ۲۵۳ و نیز لغو و تبدیل قرار نظارتی به قرار تأمین مناسب، در صورت تخلف متهم از اجرای قرارهای نظارتی صادره طبق ماده ۲۵۴ و ممنوعیت تبدیل قرارهای نظارتی به قرار بازداشت موقت (تبصره ماده ۲۵۴) این قانون پیش بینی شده است. باین وجود، اخذ تأمین نامتناسب طبق تبصره ذیل ماده ۲۵۰ موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.

### نتیجه گیری

مطالعه و بررسی قانون آئین دادرسی جدید در طی ۵ مقاله و قسمت و بررسی نوآوریها و دستاوردهای جدید این قانون، با وجود ایرادات و اشکالات مترتب بر آن؛ بیانگر تلاش مقنن در تغییر اساسی رویکرد قانونی و قضائی قبلی خویش به شناسایی، احترام، رعایت و تضمین حقوق اساسی و آزادی های مشروع و قانونی مردم و شهروندان، توجه مستمر به " اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم" و رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و سعی برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، یزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل، جامعه و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری می باشد. دراین قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت ها و موانع مقرر درخصوص حق دفاع و وکالت از





متهم، اصل را بر لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم بعنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری و مقرر داشتن تضمینات قانونی عدم رعایت آن قرار داده است. در همین ارتباط، با تقویت نقش و جایگاه وکیل مدافع در حقوق متهم و تقویت دادرسی عادلانه و مانند آنها و نیز تلاش برای منطبق ساختن نظام دادرسی کیفری با اصول نظام دادرسی عادلانه مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری مربوطه، در راستای " اصل احترام به حقوق و آزادی های اساسی بشری " و پُر رنگ ساختن رویکرد حقوق بشری بدان و نیز گرایش به سیستم دادرسی و رسیدگی مختلط در عمل، برآمده است و تمایل خویش را برای رفع اشکالات و نارسائی های قبلی قانون قدیم و مشکلات موجود و مشهود در روند دادرسی کیفری در دستگاه قضایی نمایان ساخته است. با وجود مثبت بودن نگاه قانونگذار و ارزشمند بودن تغییرات اساسی در رویکرد قانونی وی نسبت به مراتب یاد شده، ایرادات و اشکالات مطروحه در روند اجرای این قانون، مشکلات متعدد حقوقی و اجرایی را در این رابطه ایجاد کرده و هزینه های کلان مادی و معنوی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. از اینرو، ضروری است دولت و وزارت دادگستری در طی مدت باقیمانده برای لازم الاجراء شدن قانون حاضر، قبل از هرگونه شتابزدگی غیرکارشناسی در راه تدوین آئین نامه های اجرایی مربوطه و مقرر در این قانون، با جلب نظر کلیه حقوقدانان، قضات، وکلای دادگستری، دانشگاهیان، پژوهشگران و فعالان حقوقی و اجتماعی عرصه حقوق شهروندی، حقوق بشر، حقوق بین الملل، روان شناسی، جامعه شناسی و مددکاری اجتماعی و مانند آنها و دادن فراخوان های لازم برای مشارکت آنها در تبادل نظرات و تجربیات تخصصی و حرفه ای مرتبط خویش نسبت به مراتب مطروحه در این قانون و یا برگزاری فشرده همایش های تخصصی مربوطه، در جهت شناسایی و تحصیل نظرات و دیدگاههای آنها در تدوین آئین نامه های اجرایی مناسب، کارشناسی شده و موثر اقدام کرده تا اشکالات و نارسایی های قابل پیش بینی و مشهود در روند اجراء قانون حاضر، به حداقل کاهش یابد و تعدیل گردد.

به علاوه، آموزش تخصصی، مستمر و فراگیر کادر قضایی و اداری دادگستری (دادسرا و دادگاهها) نسبت به حقوق دفاعی متهم، حقوق قانونی وکلای مدافع، حقوق شهروندی و حقوق بشر و نیز تهیه و تدوین " قانون جامع حقوق شهروندی " و ترویج پیاپی و فراگیر " فرهنگ حقوق شهروندی " نسبت به مراتب مزبور با استفاده از ظرفیت های کارشناسی و تخصصی حقوقدانان و وکلای مجرب و فعال در

زمینه حقوق شهروندی و حقوق بشر و نیز فرهنگ سازی مراتب در رسانه ها و مراجع آموزشی و دانشگاهی ذیربط، می تواند در روند اجرایی شدن هر چه بهتر و بیشتر این قانون مفید و موثر بوده و زمینه تکمیل روزافزون این قانون را در روندهای بعدی تقنینی و اجرایی آن فراهم آورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

۱. روزنامه رسمی کشور
۲. محمد رضا زمانی درمزاری (فرهنگ)، وکالت در اسناد حقوق بین الملل بشر و نظام حقوقی ایران، موسسه حقوقی و بین المللی زمانی و مدرسه مجازی حقوق، (دوره های آموزشی تخصصی حقوق بشر) ۱۳۹۳
۳. محمد رضا زمانی درمزاری (فرهنگ)، وکالت و دادگستری شایسته در جهان، خبرآنلاین، <http://www.khabaronline.ir/detail/۳۴۰۸۷۲/weblog/zamaniarmazari>
۴. محمد رضا زمانی درمزاری (فرهنگ)، حقوق اقلیت ها در حقوق بین الملل بشر و حقوق ایران، موسسه حقوقی و بین المللی زمانی و مدرسه مجازی حقوق، (دوره آموزشی تخصصی حقوق بشر)، ۱۳۹۳ و وکالت در اسناد حقوق بین الملل بشر و نظام حقوقی ایران
۵. خالقی - دکتر علی - (علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی) مجله پژوهشهای حقوقی ۱۳۸۳
۶. حقوق یار آیین دادرسی کیفری، اسدی بهنام، انتشارات قانون یار، تهران ۱۳۹۵، چاپ چهارم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

